

به نام خدای خوبی‌ها



مجموعه کتاب‌های کار علوی

مؤلف: مهدی امامی



مقدمه مؤلف



سعدی بشوی لوح دل از نقش غیر او علمی که ره به حق نماید جهالت است

گراںبهارترین میراث نیاکان پارسی‌زبانان برای آیندگانی که ماییم، بدون شک هنر و فرهنگ و زبان و ادبیاتی است که در هر نقطه از بهنه گیتی در عظمت و استواری آن سخن‌ها گفته‌اند و کتاب‌ها نوشته‌اند.

بس لزوم آموختن و نگاه داشتن این مهم آشکار است و تردیدی در ضرورت آن نیست، اما چگونگی تحقق آن از اهم مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

ارتقای سطح آموزش زبان و ادبیات فارسی همواره از اهداف ما در تألیف کتابی است که هم‌اکنون در دست دارید. کتاب پیش‌روی شما تمامی مطالب کتاب درسی را به‌طور کامل در بر می‌گیرد و آن‌جا که با آوردن نکاتی فراتر از کتاب درسی، درک بهتر شما را از مطالب اصلی انتظار داشتیم، از این امر دریغ نورزیده‌ایم.

چینش مطالب گفته شده در هر درس از قاعده خاصی پیروی می‌کند، لذا پابندی به ترتیب مطالعه پیشنهادی را به صورت جدی خواستاریم.

در قسمت درسنامه، مطالب هر درس کتاب در بخش‌های زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

تاریخ ادبیات: در این بخش آثار و اشخاص شاخص تاریخ ادبیات ایران و جهان در اندازه موردنیاز معرفی شده‌اند و سعی شده است از اضافه‌گویی‌های غیر ضروری پرهیز شود.

جدول واژگان درس: واژگانی که عموماً کم استفاده و یا ناملموس هستند از متن درس استخراج شده و با معنی و مترادف آشناتری در اختیار شما قرار گرفته است.

واژگان املایی: واژگانی که به اصطلاح ارزش املایی بالاتری دارند در این جدول طبقه‌بندی شده‌اند. توجه داشته باشید که واژگان این جدول علی‌رغم کامل بودن، شما را از مطالعه متن کتاب درسی بی‌نیاز نمی‌سازد.

هم‌خانواده‌ها: آن دسته از کلماتی که هم‌خانواده‌هایی در فارسی و یا عربی دارند در این بخش دسته‌بندی شده‌اند. سعی کردیم واژه‌ها تکراری نباشند.

معنی و مفهوم ابیات و عبارات: ابیات و عباراتی که درک معنی و مفهوم آن‌ها می‌توانست کمی مشکل باشد در این بخش کتاب به زبان ساده فارسی امروز برگردانده شده است. توجه داشته باشید که درک ادبی از مباحثی است که معمولاً قسمت قابل توجهی از نمره پایانی شما را به خود اختصاص می‌دهد و انتظار داریم با مطالعه این قسمت به سطوح مطلوبی از این نظر برسید.

دانش‌های ادبی و دانش‌های زبانی: آرایه‌ها، قالب‌های شعری و اصطلاحات ادبی در بخش دانش‌های ادبی و مباحث مربوط به زبان فارسی نیز در بخش دانش‌های زبانی مورد توجه قرار گرفته است.

در انتهای هر درس نیز پرسش‌های طبقه‌بندی شده‌ای با چینی قاعده‌مند در نظر گرفته شده است که انتظار می‌رود پس از مطالعه دقیق درسنامه قابل پاسخ‌دهی باشند. هم‌چنین در انتهای کتاب نیز مجموعه سؤالاتی به تفکیک درس و آزمون‌های جامع میانسال اول و دوم به‌منظور آمادگی هر چه بیشتر برای امتحانات در نظر گرفته شده است. پیشنهاد می‌شود پس از حل سؤالات برای بار اول، آن‌هایی را که پاسخ نداده‌اید، غلط و یا با تردید پاسخ داده‌اید با علامت خاصی مشخص کرده و در ساعات پیش از امتحان به مطالعه و حل سؤالات علامت‌دار بپردازید.

در انتها ضمن آرزوی موفقیت روزافزون برای دانش‌آموزان عزیز، از همه مهربانانی که در تألیف این کتاب، دست یاری و محبت به سویم دراز کرده‌اند قدردانی می‌کنم.

فهرست



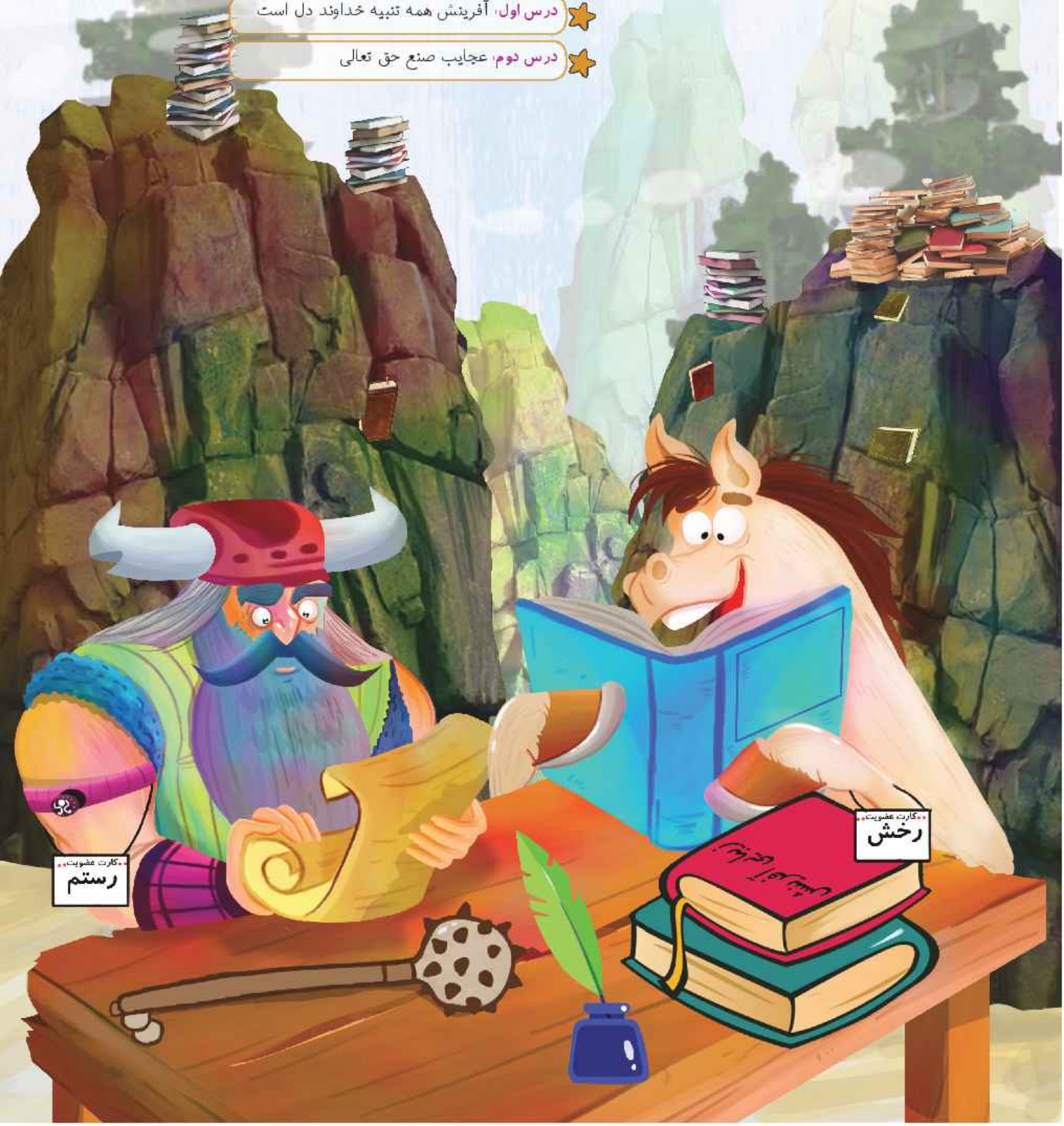
فصل اول

زیبایی آفرینش

ستایش

درس اول، آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

درس دوم، عجایب صنع حق تعالی



کارت عضویت
رستم

کارت عضویت
رخش



اهداف

- ✓ آشنایی با تحمیدیه (ستایش) و مفاهیم آن
- ✓ آشنایی با صفات پروردگار چون رزاق، هادی و ...

تاریخ ادبیات



فردوسی: حکیم ابوالقاسم فردوسی در روستای باژه واقع در شهر توس خراسان به دنیا آمد. او که از نجیب‌زادگان توس بود علاوه بر دل‌بستگی و علاقه و ارادت به خاندان پیامبر (ص) به تاریخ و فرهنگ ایران نیز علاقه بسیار داشت. او ۲۵ تا ۳۰ سال از عمر هشتاد ساله خود را صرف نوشتن شاهنامه کرد. بدون شک شاهنامه فردوسی یکی از آثار ماندگار تاریخ ادبیات ایران محسوب می‌شود.

واژه‌نامه

خرد: عقل و دانش
 کیوان: سیاره زحل
 سپهر: آسمان
 فروزنده: روشن‌کننده
 نلهد: سیاره زُهره
 مهر: خورشید
 بُرنا: جوان
 ستودن: ستایش کردن، پرستش
 جای: مکان، در این درس به معنای جهان

واژگان املیی

فروزنده
 ستودن



معنی و مفهوم

ملکا ذکر تو گویم که تو پاک و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راهنمایی

خداوند! تو را یاد می‌کنم. چرا که تو پاک و خدا هستی و جز در راهی که تو نشانم داده‌ای قدم نخواهم گذاشت.

به نام خداوند جان و خرد

به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برگذرد

به نام خداوندی آغاز می‌کنم که آفرینندهٔ جان و عقل آدمی است و اندیشه انسان برای توصیف او بیش از این توانایی ندارد.

خداوند نام و خداوند جای / خداوند روزی‌ده رهنمای

خداوندی که صاحب نام و آفریننده جهان است. خدایی که روزی‌دهنده و راهنمایی‌کنندهٔ موجودات است.

خداوند کبهان و گردان سپهر / فروزندهٔ ماه و ناهید و مهر

خدای آفرینندهٔ سیارهٔ زحل و آسمان چرخنده و فروزنده و روشنی‌بخش ماه و زهره و خورشید.

به بینندگان آفریننده را / نبینی مرنجان دو بیننده را

با چشم‌هایت نمی‌توانی خداوند را ببینی، پس بیهوده آن‌ها را خسته نکن.

نباید بدو نیز اندیشه راه / که او برتر از نام و از جایگاه

هم‌چنین اندیشه انسان نیز به حقیقت خدا بی‌نخواهد بُرد. زیرا که او از همه نام‌ها بالاتر و برتر است و جا و مکان مشخصی ندارد.

سنودن نداند کس او را چو هست / میان بندگی را بیایدت بست

هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته اوست، او را ستایش کند. پس باید در مسیر بندگی و عبادت و فرمان‌برداری از او تلاش و کوشش کرد.

نوانا بود هر که دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود

هر کس که عقل و دانش دارد، بر انجام کارها تواناست و دانش دل پیر را نیز جوان می‌کند.

اهداف

- ✓ آشنایی با نمونه اشعار فردوسی، سعدی و نمونه متن اسرارالتوحید و درک ادبی آنها
- ✓ یادآوری تفاوت‌های «زبان» و «ادبیات»
- ✓ آموختن آرایه‌های تشبیه، جان‌بخشی و مراعات نظیر

تاریخ ادبیات



سعدی: نام سعدی همواره به‌عنوان یکی از شاعران بزرگ ایران برای ما آشناست. گلستان (به نظم و نثر) و بوستان (به نظم) دو اثر فاخر و ماندگار این شاعر شیرازی است. علاوه بر این‌ها تصایف، غزلیات، قطعات و سایر آثار او در مجموعه‌ای به‌عنوان «کلیات سعدی» جمع‌آوری شده است.

واژه‌نامه

لیل، شب	مستمع، شنونده	زَرین، طلایی
نهار، روز	جهالت، نادانی	عنب، انگور
تنبیه، آگاه کردن	الوان، رنگارنگ	عاجز، ناتوان
فکرت، تفکر، اندیشه	حیران، شگفت‌زده	حَقّه، ظرف جواهرات
مسخر، فرمان‌بردار	سعادت، خوشبختی	تقدیر، در این درس به معنای قدرت
درنگ، تفکر، اندیشه	معرفت، شناخت	راست‌روان، افراد درست‌کار

بیوسه، پشت سر هم، دائم

واژگان املایی

لیل و نهار	جهالت	عنب	انعام
تنبیه	غفلت	حَقّه	
اقرار	حیف	یاقوت	
تسبیح	الوان	عاجز	
مستمع	خار	تقدیر	
آسرار	حیران	مسخر	



واژگان
هم خانواده

تفاوت، متفاوت	مستمع، سمع، استماع، سمیع	حیران، متحیر، حیرت، تحیر
تماشا، مشی، مماشات	فهم، مفهوم، استفهام، تفهیم	عاجز، عجز، عجوزه، معجزه
تنبیه، متنبه	خبر، اخبار، مخبره، مخبر	عیب، عیوب، معیوب
نقش، نقاش، نقاشی، منقش	جهلت، جاهل، مجهول، تجاهل، جهل	تقدیر، قدر، قدرت، قادر، مقدور
عجب، عجایب، عجیب، متعجب، تعجب، غفلت، غافل، مغفول، تغافل	مسخر، تسخیر	
فکرت، تفکر، فکر، متفکر	الوان، لون، ملون	کرم، اکرام، کریم، کرامت، تکریم
تسیح، سبحان	عقل، عاقل، معقول، تعقل	نعمت، نعمات، انعام، متنعم، نعیم
سعادت، سعید، مسعود		

معنی و مفهوم

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

خوش بود، دامن صحرا و تماشای بهار

بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار

سحرگاهان که شب و روز از همدیگر قابل تشخیص نیستند، گشت و گذار در دشت و صحرا و دیدن طبیعت بهاری خوشایند و دلچسب است.

دل ندارد که ندارد به خداوند افرار

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

جهان هستی برای کسی که احساس و عاطفه دارد، وسیله آگاه شدن است و کسی که با این وجود، خداوند را پاور ندارد، احساس ندارد.

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

با وجود این همه نقش و نگار شگفت‌انگیز که در هستی پیداست، اگر کسی تفکر نکند مانند نقش روی دیوار بی‌روح و بی‌جان و بی‌خاصیت است.

نه همه مستمعی فهم کند این اسرار

کوه و دریا و درختان همه در تسیح‌اند

کوه و دریا و درخت‌ها (همه موجودات هستی) در حال ستایش خدا هستند. اما هر شنونده‌ای این رازها را نمی‌فهمد.

آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار؟

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند

آیا خبر داری که پرندگان سحر می‌گویند: ای انسان غافل! از این خواب نادانی برخیز؟

حیف باشد که نو در خوابی و نرگس بیدار

تا کی آخر جو بنفشه سر غفلت در پیش؟

تا کی می‌خواهی از روی نادانی، مثل گل بنفشه سرافکننده باشی؟ حیف است که تو در خواب غفلت هستی و گل نرگس بیدار است و مشغول عبادت خداست.

با که داند که بر آرد گل صد برگ از خنار؟

که تواند که دهد میوه الوان از چوب

چه کسی جز خدا می‌تواند میوه‌های رنگارنگ را از چوب پدید آورد یا از میان خارها گلی صد برگ پرویاند؟

فهم عاجز شود از حقهٔ یاقوت انار

عقل حیران شود از خوشهٔ زرین عنب

عقل انسان از خوشهٔ زرین انگور شگفت زده می شود و فهم او از شناخت زیبایی انار که مثل یک کیسهٔ پر از یاقوت است ناتوان می شود.

ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز

خدایی پاک و بی عیب است که با قدرتش ماه و خورشید و گردش شب و روز را در اختیار گرفته است.

همه گویند و یکی گفته نباید ز هزار

تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او

تا روز قیامت همه از بخشش و مهربانی خدا سخن خواهند گفت، اما حتی نخواهند توانست یک نعمت از هزاران نعمت او را سپاس گویند.

شکر انعام نو هرگز نکند شکرگزار

تعمنت بار خدایا ز عدد بیرون است

خداوندا! نعمت‌های تو آنقدر زیاد است که قابل شمارش نیست و انسان شکرگزار هرگز نمی‌تواند سپاسگزار نعمت‌هایت باشد.

راستی کن که به منزل نرسد، کج رفتار

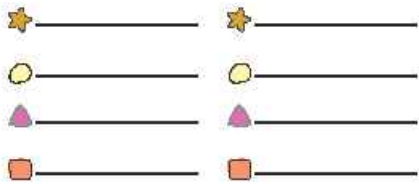
سعدیا، راست‌روان گوی سعادت بردند

ای سعدی! انسان‌های درست‌کار به سعادت دنیا رسیدند، پس تو هم به راه راست برو که اگر این‌گونه نباشی و کجروی کنی، به مقصود خود نخواهی رسید.

«کلیات سعدی - بخش قصاید»

دانش‌های زیبایی و ادبی

مثنوی یا دوتایی یادآوری (پایه هشتم)



یکی از قالب‌های معروف و پُر کاربرد شعر فارسی است که به خاطر سادگی، همیشه مورد توجه شاعران جدید و قدیم قرار گرفته است.

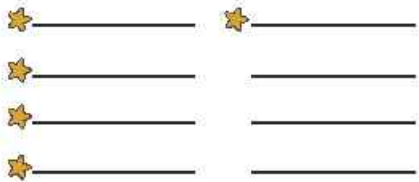
در قالب مثنوی هر بیت برای خودش قافیه‌ای جدا دارد. به همین دلیل مناسب‌ترین

قالب شعری برای بیان داستان‌ها یا مطالب طولانی همین مثنوی است. شکل قرارگیری قافیه در مثنوی به این صورت است:

از معروف‌ترین آثار شعر فارسی که در این قالب سروده شده، می‌توانیم به «بوستان سعدی»، «شاهنامه فردوسی»، «لیلی و مجنون نظامی» و «مثنوی مولوی» اشاره کنیم.

قلب شعر «به نام خداوند جان و خرد»، مثنوی

قصیده و غزل



قصیده و غزل از نظر ساختاری کاملاً شبیه همدیگر هستند با این تفاوت که تعداد

ابیات غزل از پانزده بیت بیشتر نمی‌شود اما قصیده هیچ محدودیتی در تعداد بیت‌ها

ندارد. شکل قرارگیری قافیه در قصیده به این صورت است:

از معروف‌ترین شاعران قصیده‌سرا می‌توان به سعدی، خاقانی، قآنی، صائب تبریزی و بیدل دهلوی اشاره کرد.

قلب شعر «آفرینش همه تنبیه خداوند دل است»، قصیده

تفاوت زبان و ادبیات

به این دو جمله توجه کنید:

★ از آسمان پاران می‌بارد.

★ آسمان چونان مادری مهربان بر سر فرزندانش زندگی می‌بارد.

همان‌گونه که می‌بینید هر دو جمله می‌خواهند یک پیام را به ما برسانند: باریدن پاران

اما جمله دوم علاوه بر رساندن پیام با زیبایی‌های خاصی آمیخته شده است که جمله را برای شنونده دلنشین‌تر و جذاب‌تر می‌کند.

ترکیب شدن زبان و هنر محصولی تولید می‌کند به نام ادبیات. به عبارت دیگر ادبیات، گونه هنری زبان است و همه آرایه‌هایی که

می‌خوانیم و می‌دانیم ابزار است برای تولید آثار ادبی هنرمندانه‌تر. در شعرهایی که خواندیم نیز شاعر برای اثرگذاری و زیبایی بیشتر

از آرایه‌های مختلفی بهره برده است که ما به بررسی تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم.

جان‌بخشی و تشخیص

وقتی برای یک چیز بی‌جان، شخصیت قائل می‌شویم و طوری در مورد او صحبت می‌کنیم که انگار جان دارد و «با شخصیت» است،

در حقیقت از آرایه «جان‌بخشی» استفاده کرده‌ایم. گاهی وقت‌ها هم برای غیر انسان‌ها ویژگی انسانی در نظر می‌گیریم که به این

کار «تشخیص» گفته می‌شود.

برای مثال: آواز رودخانه